



# دور دوم جنات؛ پنجشنبه سگاه

مجموعه پیام‌های تبیینی  
پیرامون رخدادهای زمستان ۱۴۰۴



## فهرست

۴	پیام اول	وجود افراد ناآگاه در میان مزدوران موجب شد تا نیروهای انتظامی و امنیتی جان فدا شوند.
۵	پیام دوم	ارائه تصویر حماسی از حضور مردم، نباید عزای عمومی را تحت تاثیر قرار دهد.
۶	پیام سوم	در روزهای اول اعتراضات به دلیل عدم ورود دشمن به صحنه، هیچگونه تلفات انسانی نداشتیم.
۷	پیام چهارم	حمله به مراکز نظامی و اسلحه خانه ها برای کشته سازی وسیع مردم بود.
۸	پیام پنجم	معترضان مردمی، اولویت اول کشته سازی دشمن هستند.
۹	پیام ششم	اگر جمهوری اسلامی اراده‌ای بر حذف مخالفین خود داشت در ۱۴۰۱ به عفو عمومی اقدام نمی‌کرد.
۱۰	پیام هفتم	کشته‌سازی، سناریوی همیشگی دشمن برای افزایش فشار بین‌المللی است.
۱۱	پیام هشتم	اگر جمهوری اسلامی در صدد ایجاد زُعب مردمی بود، از ابتدای اعتراضات مماشات نمی‌کرد.
۱۲	پیام نهم	راهبرد رسانه‌های کشور در نمایش دادن قربانیان، نشان از بلوغ رسانه‌ای برای کشف حقیقت است.
۱۳	پیام دهم	قربانیان عمدتاً با سلاح هایی کشته شده اند که فقط در اختیار آشوب گران بوده است.
۱۴	پیام یازدهم	دشمن از مردم به عنوان سپر انسانی برای تضعیف دستگاه امنیتی کشور استفاده کرد.
۱۵	پیام دوازدهم	جریان معارض انقلاب، کشتار را امری اخلاقی و مشروع می‌داند.
۱۶	پیام سیزدهم	شبکه‌های فارسی زبان الگوی خود برای ایجاد بلوا به محوریت کشته‌شدگان را رها نخواهند کرد.
۱۷	پیام چهاردهم	هنوز برنامه دشمن برای کشته‌سازی و ناامنی در کشور پایان نیافته است.

## وجود افراد ناآگاه در میان مزدوران موجب شد تا نیروهای انتظامی و امنیتی جان فدا شوند.

پس از جنگ ۱۲ روزه، این بار دشمن با ساماندهی تروریست‌های خائن در داخل کشور، حملاتی را طراحی کرده بود که از میانه مردم معترض عبور میکرد. این حربه ای بود که دشمن می دانست اگر از آن استفاده کند و مردم را سپر بلای خود قرار دهد، می تواند با آن به جان نیروهای حافظ امنیت تعرض کند و اهداف مورد نظرش را تخریب کند، به آتش بکشد و در مجموع تهدیدی جدی برای وضعیت امنیتی کشور ایجاد کند.

به همین جهت، نیروهای حافظ امنیت و رسانه ها، تلاش داشتند تا در مرحله اول، جمعیت را پاکسازی کرده و مردم را از میانه مزدوران مسلح نجات دهند و در مرحله بعد، اقدام به مقابله سنگین و جلوگیری از اعمال شرارت کنند. بنابراین در مرحله اول، پلیس مردمی و

دلسوز و بسیج قهرمان با ملاحظه جان افراد بی اطلاع در جمعیت، نه تنها از سلاح‌های خود استفاده نکردند، بلکه در مواردی حتی سلاحی نیز به همراه نداشتند تا به این شکل، جان خود را سپر مردم و فدای امنیت این کشور عزیز کنند.

در نتیجه اگر اختلاط بعضی از افراد ناآگاه در بین تروریست‌ها نبود، پلیس مقتدر به یک تن از اینها اجازه ادامه شرارت نمی داد، ولی متأسفانه دشمن با فعال سازی ظرفیت‌های رسانه‌هایش و فضای خبری اش در خدمت جنگ شناختی، برخی از جوانان و نوجوانان این ملت را فریب داد و باعث اختلاط آنها با مزدوران مسلح شد که حاصل آن، فدا شدن جان حافظان امنیت بود.



در مرحله اول، پلیس با ملاحظه جان افراد بی اطلاع در جمعیت، نه تنها از سلاح‌های خود استفاده نکردند، بلکه در مواردی حتی سلاحی نیز به همراه نداشتند.

## ارائه تصویر حماسی از حضور مردم، نباید عزای

## عمومی و همدردی با خانواده‌های کشته شدگان را

## تحت تاثیر قرار دهد.

سیاست رسانه‌ای که صداوسیما به عنوان مرجع رسمی مواضع جمهوری اسلامی در قالب برنامه‌های خبری، گفتگومحور و ... دنبال می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. تصویر مردم ایران از کلان‌روایت جمهوری اسلامی، از دریچه‌ی همین برنامه‌ها ساخته می‌شود. رسانه‌ی ملی، به درستی تلاش داشته است که بر سبوعیت و خشونت غیرمتعارف تروریست‌های مسلح تأکید نماید و در صحنه بودن مردم ایران را به خوبی نمایش بدهد. همچنین، تا حدی تلاش داشته است مظلومیت بخش‌هایی از مردم که قربانی حوادث تروریستی بوده‌اند، مظلومیت نیروهای بسیجی و انتظامی که مورد تعرض وحشیانه واقع شده‌اند و اقتدار نیروهای انتظامی و اطلاعاتی و امنیتی را در برخورد با این حوادث تبیین کند. به طور کلی، رسانه‌ی ملی، در صدد آرایه‌ی «روایت فاتحانه» از روند حوادث بوده است که قطعاً سیاست صحیحی است.

نکته‌ای که به نظر می‌رسد در کلیت برنامه‌های صداوسیما و کلان‌روایت فاتحانه‌ای که رسانه‌ی ملی در صدد بازنمایی آن است، مورد غفلت واقع شده، «روایت عزای عمومی» است. به هر حال، به استثنای جماعت مزدوری که به هلاکت رسیدند، جمع کثیری از هموطنان ایرانی در این حوادث به شهادت رسیدند یا قربانی مطامع گروه‌های تروریستی شدند. جامعه‌ی ایران نسبت به این حادثه‌ی تلخ، قطعاً احساس غم و مصیبت دارد که باید به این احساس غم‌آلود توجه داشت. تأکید بر روایت فتح که کاملاً صحیح و به‌جا است، باید آمیخته‌ی با احساس غم و مصیبت فقدان جمعی از هموطنان باشد. این امر هم در نحوه‌ی انتخاب سرودها و هم در محتوای گفتگوهای تلویزیونی و هم در بازنمایی احساس خانواده‌های مصیبت‌زده باید رعایت شود؛ در غیر این صورت، آرایه‌ی روایت فاتحانه، با پذیرش اجتماعی همراه نخواهد شد. همچنین، در انتخاب خانواده‌هایی که در غم فقدان عزیزانشان مصیبت‌زده هستند، دایره‌ی گسترده‌تری را باید مورد توجه قرار داد تا ساخت روایت جمعی از حادثه و جهت‌دادن به عزای عمومی امکان‌پذیر شود.



جامعه‌ی ایران

نسبت به این

حادثه‌ی تلخ، قطعاً

احساس غم و

مصیبت دارد که

باید به این احساس

غم‌آلود توجه

داشت.

## در روزهای اول اعتراضات به دلیل عدم ورود دشمن به صحنه، هیچ‌گونه تاخات انسانی نداشتیم.

اعتراضات کسبه و بازاریان به دلیل نوسانات بازار و اخلال در نظام کسب و کار و معیشت شکل گرفت. اعتراضاتی که خواسته بحقی با عنوان ثبات و آرامش در بازار را طلب میکرد. با این این اعتراضات، نه تنها مقابله و جلوگیری به عمل نیامد بلکه در رسانه ملی و خبرگزاری‌های رسمی نیز بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد. زیرا هم مطالبه گران مردم عادی و کسبه و بازاریان بودند و هم خواسته به حق و مشروعی را مطرح می‌کردند. طبیعتاً این نوع اعتراضات همیشه وجود داشته و خشونت و درگیری نیز در آن جایی نداشت. همچنین پاسخگویی مسئولان و برگزاری جلسات در سطح بالا با نمایندگان اصناف و شنیدن حرف‌ها و گلایه‌های آنها، نشانه شنیده شدن صدای این اعتراضات از طرف مسئولان مربوطه و اهتمام آنها برای حل و فصل مشکلات مردم بود.



اما ماجرا زمانی پیچیده شد که در روزهای بعد از شروع اعتراضات، دشمن با هدف به آشوب کشیدن آن و با راهبرد خشونت حداکثری و کشته‌سازی، وارد فضای معترضین شد و سعی در پیشبرد اهداف محقق نشده جنگ ۱۲ روزه خود را داشت. درگیری‌ها و خشونت‌ها و کشته‌سازی‌ها از این روز شروع شد و مزدوران رژیم صهیونیستی و آمریکا، با انواع سلاح‌های گرم و سرد و حمله به مراکز نظامی و امنیتی و تخریب اموال عمومی و شخصی مردم، ماهیت اعتراضات را به کلی منقلب کرد و با راهبرد کشته‌سازی از دو جبهه معترضین و نیروهای امنیتی، دست به یک جنایت فجیع زد. بررسی صحنه اعتراضات و آمار جان باختگان، نشان میدهد که بیشترین تعداد قربانیان، در همین روزهای ابتدایی ورود هدفمند دشمن به صحنه اعتراضات رقم خورد و در ادامه با مدیریت صحنه و جداسازی صف معترضین از آشوبگران، دستگیری لیدرها کم‌کم فروکش کرد.



ماجرا زمانی

پیچیده شد که

در روزهای بعد از

شروع اعتراضات،

دشمن با هدف به

آشوب کشیدن آن

و با راهبرد خشونت

حداکثری و کشته

سازی، وارد فضای

معترضین شد.

## حمله به مراکز نظامی و اسلحه خانه ها برای کشته سازی وسیع مردم بود.



خشونت افراطی نیروهای تروریستی در سطح خیابان های ایران شامل کشته گرفتن از مردم معترض، به آتش کشیدن بیمارستان ها، ماشین های آتش نشانی و بازارهای مردم، حلقه هایی هستند که نقشه دشمن، آنها را به هم متصل کرده است. دشمن در این دور از حمله

علیه ایران نیز، ملت ایران را هدف قرار داده بود. به همین جهت، تمرکز خود را بر روی کشته گرفتن از مردم، علی الخصوص مردم معترض قرار داده بود. لذا در اثناء اغتشاشات، دشمن نیروهای تروریستی خودش را به سمت مراکز نظامی و اسلحه خانه ها هدایت کرد، تاکتیکی که به زعم دشمن، هراتفاقی در پی آن می افتاد، به سود آنها بود. اگر نیروهای حافظ امنیت، برای حفاظت از جان و امنیت ملت، در برابر آنها مقابله میکردند، دشمن در سطح مدیریتی، موفق شده بود با قربانی کردن مزدوران خودش، کشته بگیرد و نظام را ظالم نشان دهد و اگر نیروهای حافظ امنیت، به هر دلیلی در برابر حملات تروریستی مزدوران مقاومت نمی کردند، انواع سلاح ها و تجهیزات نظامی به دست آنها می افتاد و در پی آن، نه تنها کنترل مزدوران تروریست سخت تر میشد، بلکه جان های بی گناه بسیاری توسط این عوامل گرفته میشد و حتی طبق برنامه، به پای جمهوری اسلامی نوشته میشد. این مهم ترین برنامه دشمن است که بتواند کشته سازی وسیعی از مردم، علی الخصوص مردم معترض بگیرد و آنها را به گردن نظام جمهوری اسلامی بیندازد تا از این طریق رابطه ملت و حکومت را متزلزل ساخته و مشروعیتی برای اهداف محتمل بعدی اش شامل شدت بخشی به تحریم ها، جنگ تعرفه ای، حمله نظامی و غیره ایجاد کند.



در اثناء اغتشاشات،

دشمن نیروهای

تروریستی خودش

را به سمت مراکز

نظامی و اسلحه

خانه ها هدایت

کرد، تاکتیکی که

به زعم دشمن،

هراتفاقی در پی آن

می افتاد، به سود

آنها بود.

## معترضان مردمی، اولویت اول کشته‌سازی دشمن

### هستند.

همانطور که از گفته‌های ترامپ نیز مشخص است، آنچه در نقشه دشمن به مثابه پیشران آشوب‌ها در نظر گرفته شده، کشته‌سازی است. ترامپ گفته بود «اگر آنها مانند گذشته شروع به کشتن مردم کنند، فکر میکنم ایالات متحده ضربه بسیار سختی به آنها خواهد زد». کشته‌سازی تصمیمی برآمده از این است که دشمن میدانند جامعه ایران نسبت به خون به ناحق ریخته شده و ظلم، حساسیت شدید دارد و به همین جهت، کارویژه کشته‌سازی را، به صورت جدی و گسترده در دستور کار نیروهای مزدور و آموزش دیده خود قرار داد تا در شرایط و زمان مناسب، از میان معترضان، کشته‌ای بگیرند و آنرا قربانی نیروهای حافظ امنیت جا بزنند.

این کشته‌سازی اگرچه نسبت به موارد متعددی از رهگذران، تماشاچیان و ناظران بی طرف گزارش شده است، اما آنچه در طرح دشمن، پیشران توسعه خشونت، تحریک احساسات عمومی و مشروعیت بخش به اقدامات خصمانه دشمن علیه ملت ایران در نظر گرفته شده بود، کشته‌سازی از مردم معترضی بود که صرفاً برای مسائل اقتصادی به خیابان آمده بودند. این اصرار دشمن بر کشته گرفتن از معترضان مردمی، اگرچه مسبوق به سابقه است، اما آنچه در چند روز گذشته رخ داد، اقدامی بی سابقه و بسیار گسترده تر از قبل بود که نشان میدهد، این بار دشمن بدون هیچ رحم و مروتی، کشته گرفتن از مردم را اسم رمز عملیات خود قرار داده است و تکه اول پازل نقشه خودش را با همین اتفاق می‌سازد که افکار عمومی را به سمتی جهت دهد که نظام جمهوری اسلامی، به معترضان مردمی شلیک میکند و خون مردم مظلوم را به ناحق می‌ریزد. به همین جهت، نیروهای حافظ امنیت جمهوری اسلامی، باوقوفی که نسبت به مسئله فوق داشتند، یکی از کارویژه‌های اصلی خود را حفاظت از مردم معترضی قرار داده بودند که ممکن بود طعمه قربانی این تروریست‌های مسلح شوند. سردار رادان در این زمینه گفته بود که «ما با ضرب گلوله اغتشاشگران چند نفر زخمی و شهید دادیم ولی به واسطه در بین مردم بودن دشمن، ما زخمی و شهید دادن را تا به جان خود خریدیم تا هموطنان، بیشتر از این از بین نروند».



اصرار دشمن بر  
کشته گرفتن از  
معترضان مردمی،  
اگرچه مسبوق  
به سابقه است، اما  
آنچه در چند روز  
گذشته رخ داد،  
اقدامی بی سابقه و  
بسیار گسترده تر از  
قبل بود که نشان  
میدهد.

## اگر جمهوری اسلامی اراد‌دای بر حذف مخالفین خود داشت در زمستان ۱۴۰۱ به عفو عمومی بازداشت شدگان اقدام نمی‌کرد.

چند ماه پس از وقایع پاییز ۱۴۰۱ و در شرایطی که حدود ۲۰ هزار نفر از عناصر و افراد خاطی توسط نیروهای امنیتی و انتظامی مورد بازداشت و دستگیری قرار گرفته بودند و همگان در انتظار برگزاری جلسات محاکمه و سپس اجرای احکام این افراد بودند ناگهان با ابلاغ فرمان عفو عمومی توسط رهبر انقلاب اسلامی همگی این افراد به استثنای مواردی که به صورت محرز محکومیت جنایی داشتند مورد بخشش قرار گرفتند. صدور این فرمان بیش از همه چیز نشانگر این واقعیت بود که جمهوری اسلامی بیش از همه دلسوز همین افرادی است که از سر ناآگاهی و غفلت خود را بازپچه دست سرویس‌های امنیتی خارجی کرده اند و به همین جهت با خیرخواهی فراوان اقدام به آزادی جمعی آن‌ها نمود. این رخداد در شرایطی رقم خورد که با تثبیت شدن اوضاع و تحکیم اقتدار حاکمیت، کاملاً این شرایط فراهم بود که نظام اسلامی در راستای وظایف طبیعی خود حجم گسترده‌ای از مخالفین خود را مورد اذیت و حتی حذف قانونی قرار بدهد، اما از آن‌جا که رویکرد دائمی نظام همواره بر مدارا و تسامح با مخالفین خود بوده است هیچگاه به سمت این مسیر حرکت ننمود و اقدام به عفو عمومی به نماندی برای بروز متانت سیاسی جمهوری اسلامی بدل شد.

لذا در شرایط امروز کشور نیز باید این رویکرد و سابقه درخشان نظام اسلامی را به همگان یادآوری کرد که این حاکمیت هیچگاه به دنبال حذف مخالفین خود نبوده و همواره با آنان با ملایمت رفتار نموده است. به همین جهت، استراتژی نیروهای حافظ امنیت در برخورد با آشوب‌های فعلی نیز، مبتنی بر تفکیک میان مردم معترض و تروریست‌های مسلح بود. لذا در روزهای ابتدای آشوب، نیروهای حافظ امنیت، حداقل درگیری را با تروریست‌ها داشتند، تا صف مردم معترض، جوانان و نوجوانان فریب خورده و افراد تماشاچی، از صف تروریست‌های مسلح جدا شود و شرایط برای کنترل وضعیت و حفظ امنیت جامعه مهیا گردد.



در شرایط امروز

کشور نیز باید

این رویکرد و

سابقه درخشان

نظام اسلامی را به

همگان یادآوری کرد

که این حاکمیت

هیچگاه به دنبال

حذف مخالفین

خود نبوده و همواره

با آنان با ملایمت

رفتار نموده است.

## جمهوری اسلامی می‌داند کشته‌سازی، سناریوی همیشگی دشمن برای افزایش فشار بین‌المللی است.

یکی از اضلاع جنگ روایت در مورد کشته‌های مردمی حوادث دی ماه ۱۴۰۴، بر سر «عاملیت» آن است؛ این‌که عاملیت این حوادث بر عهده‌ی چه کسی است. تلاش رسانه‌های دشمن طی روزهای اخیر این بوده است ضمن تاکید بر آمار بالای کشته‌های این حوادث، این کشته‌ها را به جمهوری اسلامی نسبت دهد و این‌گونه بازنمایی کند که حاکمیت سیاسی در ایران برای پیشبرد سیاست‌هایش دست به این اقدام زده است. طبیعی است که در این رسانه‌ها، نقش آفرینی شبکه‌های تروریستی که مستندات فراوانی (از جمله اظهار نظر پمپئو و مواضع شفاف برخی مسئولان رژیم صهیونیستی مبنی بر نقش آفرینی در این حوادث و حمایت‌های مستقیم رییس‌جمهور آمریکا) برای آن وجود دارد، به کلی مسکوت گذاشته می‌شود. انگاره‌ای که بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال و ... تلاش دارند در افکار بین‌المللی و ذهنیت مردم ایران بسازند، عمدتاً بر سواستفاده‌ی احساسی و جهت‌دار از غم و مصیبت خانواده‌های عزادار این حادثه استوار است و از منظر استدلال و برهان، ادّعایی بی‌وجه و بی‌اعتبار است.

جمهوری اسلامی اساساً مشروعیت خود را در «مقبولیت مردمی» قرار داده است و مبتنی بر اصل «مردم سالاری دینی»، هرگونه کاهش در مقبولیت یا اعتبار عمومی را خطری وجودی برای خود می‌داند. اما فارغ از این ملاحظات اصولی، حتی اگر از زاویه‌ی کارکردی و منفعت طلبانه، رفتار جمهوری اسلامی را مورد ارزیابی قرار دهیم، عاملیت جمهوری اسلامی در کشتن مردم، هیچ مزیت و کارکردی برایش ندارد. جمهوری اسلامی که در موارد تاریخی متعدّد، سواستفاده‌ی قدرت‌های غربی در استفاده از عناوین حقوق بشری برای تحمیل فشارهای بین‌المللی را تجربه کرده و هزینه‌های آن را متحمل شده است، چرا باید دست به چنین اقدامی بزند و خود را در معرض فشارهای جدید قرار بدهد؟ آن هم در شرایطی که یکی از راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی شکستن اجماع بین‌المللی در فشار بر جمهوری اسلامی است. از این دریچه، ادّعای عاملیت جمهوری اسلامی در کشتن مردم اساساً با راهبردی که در سیاست خارجی در پیش گرفته است، به کلی متعارض است و می‌توان آن را بی‌وجه و بی‌معنی دانست. منتفع اصلی کشته‌های فراوانی مردم، دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی و دولت‌های اروپایی هستند که بهانه‌ی لازم برای استمرار مداخله‌گری در امور ایران و تمدید و تشدید فشارهای اقتصادی و ایجاد اجماع بین‌المللی برای حمله نظامی را به دست آن‌ها می‌دهد. بر این اساس، وجود حداقلی از عقل و خرد سیاسی، برای ردّ ادّعای عاملیت جمهوری اسلامی در کشتن مردم کافی است.

## اگر جمهوری اسلامی در صدد ایجاد رُعب مردمی بود، از ابتدای اعتراضات مماشات نمی‌کرد.

یکی از ادعاهایی که رسانه‌های دشمن برای نسبت دادن کشته‌های حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ به جمهوری اسلامی بر آن تاکید می‌کنند «رُعب اجتماعی» است. این رسانه‌ها تلاش می‌کنند این‌طور بازنمایی کنند که جمهوری اسلامی با ایجاد یک رُعب جمعی، می‌خواهد سیاست‌هایش را پیش ببرد. چنین ادعایی هم با نظر به تجربه‌ی تاریخی جمهوری اسلامی و هم با نظر به نحوه‌ی برخورد جمهوری اسلامی با حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ مردود و غیرقابل پذیرش است. برخوردی روادارانه‌ی جمهوری اسلامی با بخش قابل توجهی از دستگیرشدگان حوادث سال ۱۴۰۱ که سه سال پیش رخ داد، یکی از مصایقی است که به خوبی روحیه و منش سیاسی جمهوری اسلامی در تعامل با مردمش را تصویر می‌کند. جمهوری اسلامی اگر در صدد ایجاد رُعب و ترساندن مردم بود، علی‌القاعده باید برخورد شداد و غلاظی با خاطیان حوادث سال ۱۴۰۱ را روا می‌داشت. برخورد جمهوری اسلامی با فتنه‌ی ۸۸ را هم می‌توان از این درجه مورد بررسی قرار داد که در آن، به علت همراهی بخشی از مردم با سران فتنه، هشت ماه با صبوری و مماشات با اعتراضات و اغتشاشات خیابانی برخورد کرد تا خود مردم با حضور تاریخی در راهپیمائی نه دی، کار را یکسره کنند. جمهوری اسلامی به علت تأکیدی که بر سرمایه‌ی اجتماعی مردمی دارد، همواره در برخورد با مردم معترض در تجربه‌های متعدّد تاریخ انقلاب، سیاست رواداری و مدارا را اتخاذ کرده است تا خدشه‌ای بر این سرمایه‌ی اجتماعی وارد نیاید؛ زیرا مهم‌ترین تکیه‌گاه جمهوری اسلامی برای پیش‌برد سیاست‌هایش همین سرمایه‌ی اجتماعی بوده است.

در مورد حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ نیز، اگر جمهوری اسلامی در صدد ایجاد رُعب و وحشت و ترساندن مردم بود، از همان ابتدای شروع اعتراضات باید چنین سیاستی را دنبال می‌کرد که اصلاً این‌گونه نبود. بالاترین مقام حاکمیتی در جمهوری اسلامی، از نخستین روزهای اعتراضات مردمی، هم اعتراض را مشروع دانست و هم حق را به معترضین داد. جدا کردن صف اعتراض از اغتشاش سیاستی بود رهبر انقلاب از ابتدای آغاز حرکت بر آن تاکید کردند. نیروهای انتظامی نیز هیچ حرکتی که دلالتی مبنی بر ممانعت یا برخورد با اعتراضات باشد، از خود نشان ندادند. حتی پس از خارج شدن اعتراضات از ریل مسائل اقتصادی و آغاز شعارهایی بر ضدّ جمهوری اسلامی، نیروهای انتظامی تا پنجشنبه شب سعی داشتند نهایت مدارا و رواداری را اتخاذ نمایند. برخورد جدّی‌تر نیروی انتظامی پس از تحمیل هزینه‌های فراوان انسانی و مالی از سوی تروریست‌های مسلّح و شکل‌گیری مطالبه‌ی مردمی آغاز شد.

## تغییر راهبرد رسانه‌ای کشور در نمایش دادن قربانیان، نشان از بلوغ رسانه‌ای در کمک به مردم برای کشف حقیقت است.

در بحبوحه ناآرامی‌های اخیر، شاهد تغییر رویکردی مهم در نحوه پوشش رسانه‌ای وقایع توسط رسانه‌های داخلی هستیم. این تغییر، که با تمرکز بر نمایش واقع‌بینانه قربانیان و انتشار دقیق آمار و اطلاعات، همراه شده، نشان‌دهنده بلوغ رسانه‌ای و راهبردی است. این



رویکرد، فراتر از پوشش صرف اخبار، در راستای مسئولیت‌پذیری رسانه‌ای با هدف کمک به مردم برای درک حقیقت ماجراها و اتخاذ تصمیمات آگاهانه شکل گرفته است.

این تغییر در راهبرد رسانه‌ای، به ویژه در مقایسه با نحوه پوشش رسانه‌ای در گذشته، اهمیت ویژه‌ای دارد. ایران در این سری از آشوب‌ها، بدون نگرانی از قدرت رسانه‌ای دشمن، وارد معرکه شده و با اطلاع‌رسانی دقیق به مردم، به آن‌ها کمک می‌کند تا حقیقت را کشف کنند. این اقدام، نشان‌دهنده اعتماد به نفس و اراده نظام جمهوری اسلامی برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی و اعتماد به هوش و بصیرت مردم است. با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و با کمک به مردم در درک واقعیت‌ها، ایران می‌تواند با موفقیت بر این چالش‌ها غلبه کند و امنیت و ثبات کشور را حفظ نماید. رسانه‌های داخلی باید با پرهیز از اغراق و تحریف، به تلاش برای ارائه تصویری کامل و ارائه تبیینی حقیقی و درست از وقایع باشند. این امر به تقویت اعتماد عمومی به رسانه‌ها کمک می‌کند و به مردم این امکان را می‌دهد تا با ارزیابی دقیق‌تر، از دروغ‌گویی‌ها و پروپاگاندا‌های دشمن مصون بمانند.



ایران در این سری  
از آشوب‌ها، بدون  
نگرانی از قدرت  
رسانه‌ای دشمن،  
وارد معرکه شده  
و با اطلاع‌رسانی  
دقیق به مردم، به  
آن‌ها کمک می‌کند  
تا حقیقت را کشف  
کنند.

## قربانیان عمدتاً با سلاح‌هایی کشته شده‌اند که فقط در اختیار آشوب‌گران بوده است.



بررسی فنی نوع سلاح‌های به کار رفته در کشتارهای روزهای گذشته، نشان‌دهنده استفاده از طیف وسیعی از ابزارهای تسلیحاتی است که در سازمان رزم نیروهای انتظامی کشور، به طور رسمی موجود نبوده است. این موضوع، ابهامات جدی در خصوص منشاء و نحوه دسترسی به این سلاح‌ها را ایجاد می‌کند.



بررسی فنی نوع سلاح‌های به کار رفته در کشتارهای روزهای گذشته، نشان‌دهنده استفاده از طیف وسیعی از ابزارهای تسلیحاتی است که در سازمان رزم نیروهای انتظامی کشور، به طور رسمی موجود نبوده است.

در این بررسی، سلاح‌های گرمی متعددی شناسایی شده‌اند که شامل تفنگ‌های دو لوله، شاتگان، اسلحه‌های یوزی ساخت اسرائیل و کلت‌های کم‌رمی می‌شود. علاوه بر سلاح‌های گرمی، استفاده از سلاح‌های سرد نیز در این درگیری‌ها به چشم می‌خورد. این سلاح‌ها شامل شمشیر، قمه و تبر است. وجود این نوع سلاح‌ها، که معمولاً در اختیار اراذل و اوباش قرار دارد و خارج از چارچوب سلاح‌های مورد استفاده نیروهای انتظامی و بسیج است، نشان‌دهنده یک عنصر غیرمنتظره و برنامه‌ریزی شده در این اقدامات خشونت‌آمیز است. همچنین، گزارش‌هایی مبنی بر شلیک مستقیم از پشت و استفاده از سلاح‌های سرد توسط افراد حاضر در صحنه درگیری منتشر شده است. این موارد، نشان‌دهنده یک سطح بالای خشونت و بی‌رحمی در این اقدامات است.

## دشمن از مردم به عنوان سپر انسانی برای تضعیف دستگاه امنیتی کشور استفاده کرد.

اقتدار دستگاه نظامی و امنیتی، یکی از مولفه‌های اساسی و راهبردی هر کشوری محسوب می‌شود و بازدارندگی کشور در جهت مقابله با تهدیدات امنیتی و نظامی، رابطه مستقیمی با این مولفه دارد. مسلماً هیچکس از مردم ایران، ضعف و حتی



اشتباه در دستگاه امنیتی را بر نمی‌تابند و مطالبه حداکثر امنیت و اقتدار را از این دستگاه دارند. در جریان جنگ ۱۲ روزه، ترکیب اقتدار دستگاه امنیتی و همکاری اطلاعاتی مردمی باعث شد تا بسیاری از زیرساخت‌ها و طراحی‌های امنیتی دشمن در کشور کشف و خنثی شود. در جریان آشوب‌های اخیر، دشمن با یک طراحی هوشمندانه درصدد آن برآمد تا با ایجاد تجمعات اعتراضی، مزدوران وحشی و جنایتکار خود را در بین صفوف مردم معترض جاسازی کند. یکی از اهداف اصلی او از این کار، به انفعال کشاندن دستگاه امنیتی و ایجاد سپر انسانی از مردم، برای حفظ مزدوران خود در صحنه بود. این اقدام سبب شد تا نیروهای امنیتی بخشی از انرژی خود را صرف تفکیک بین مردم و مزدوران در جهت شناسایی عناصر دشمن کنند و از طرفی مراقب باشند که مردم بیگناه، قربانی کشته‌سازی دشمن در بین صفوف آشفته اغتشاش نشوند. این طراحی به اینجا ختم نمی‌شود و پس از جمع شدن فضای آشوب و اغتشاش و بازگش آرامش به فضای کشور نیز، دستگاه تبلیغی دشمن، از طریق هجمه رسانه‌ای شناختی به دستگاه امنیتی، درصدد تضعیف و منفور کردن آن در افکار عمومی است. این مدل طراحی‌های ضد انسانی و خصمانه، فقط از دستگاه فکری جنایتکاران آمریکایی و اسرائیلی برمی‌آید که در پرونده سیاه جنایات خود، اقداماتی مانند نسل‌کشی غزه را دارند که تا به امروز، صدها هزار نفر انسان بی‌گناه را به کام مرگ کشانده است. مسلماً اقتدار و محبوبیت دستگاه امنیتی در بین مردم، سد محکمی در مقابل هجمه دشمنان ایجاد می‌کند که باید از این سد حفاظت نمود.

## جریان معارض انقلاب، کشتار را امری اخلاقی و

## مشروع می‌داند.

مشاهده تصاویر و گزارش‌های مختلف جنایات وحشیانه تروریست‌ها در اقصی نقاط کشور، دل هر انسان آزاده‌ای را به رنج می‌آورد. برای برخی از مردم ایران سوال است که یک انسان چگونه میتواند در این حد، خونریز و جنایتکار باشد. حقیقت این است که رفتارهای وحشیانه و بی‌رحمانه در اقدامات اخیر، محصول سطح بالای خشونت و جنایت به کار رفته توسط تیم‌های تروریستی اجاره‌ای است. بررسی میدانی این جنایات، از جمله کشتار کودکان، سوزاندن زنده بیمارستان و پرستاران، آتش زدن فروشگاه با سه فروشنده زن در داخل، بریدن سرافراد و سوزاندن پیکرهای به جامانده، و آتش زدن افراد زنده، از توانایی‌های انسان‌های عادی و معمولی فراتر است. این اقدامات حرفه‌ای، نشان‌دهنده برنامه‌ریزی دقیق و آموزش هدفمند این گروه‌ها است.

ماشین نسل کشی غرب، از ابزارهای مختلفی برای رساندن انسانها به این سطح از درندگی و خشونت استفاده میکند. از تولید مباحث الاهیاتی و اندیشه‌ای گرفته تا مسائل روان شناختی و حتی استفاده از داروها و مواد مخدر روان گردان. استفاده از منابع مالی تمام نشدنی سرمایه داران جهانی برای اجیر کردن و آموزش این افراد نیز بخشی از این کار است. توجه به ریشه‌ها و تاریخچه جنایتهای جریانات تروریستی نیز نشان می‌دهد این حجم از خشونت و کشتار برای آنها به سهولت امکان پذیر است.

طنز تلخ ماجرا اینجاست که این جانپان در پس نقاب‌هایی از جنس مبارزه با حکومت و کمک به آزادی، به دنبال همراه کردن مردم با خود هستند و جالبتر این است که آمران و افراد پشت صحنه

این جنایات، نه تنها خودشان حاضر به دادن کمترین هزینه در این مسیر



ادعایی نیستند، بلکه قربانی شدن مردم مظلوم بی‌گناه را به پای خود، مشروع و

لازم میدانند. رضا پهلوی در مصاحبه‌ای با یک برنامه آمریکایی در جواب به این

سوال که دعوت شما به کشته شدن مردم در این مسیری که دنبال آن هستید،

آیا مسئولانه است از طرف شما؟ گفته است که "این جنگ است و جنگ قربانیانی

دارد". این فرد در یک مصاحبه دیگری نیز به صراحت گفته که حاضر نیست

خودش قربانی این راه باشد. این اظهارات به خوبی از عمق خباثت و نفاق این

جماعت پرده برمی‌دارد و نشان می‌دهند که آنها برای به قدرت رسیدن خود،

حاضر هستند هر جنایتی را توجیه کنند. ولو ایجاد جنگ و آشوب در کشور با کمک

بیگانه و قربانی شدن مردم بی‌گناه باشد.

طنز تلخ ماجرا  
اینجاست که این

جانپان در پس

نقاب‌هایی از

جنس مبارزه با

حکومت و کمک

به آزادی، به دنبال

همراه کردن مردم با

خود هستند.

## پیام سیزدهم

## شبکه‌های فارسی زبان الگوی همیشگی خود برای ایجاد بلوا به محوریت کشته شدگان را رها خواهند کرد.

پررنگ ترین مأموریت رسانه های فارسی زبان در هنگامه آشوب افکنی در کشور به مقطعی مربوط می شود که فاز اول تخریب ها و هنجارشکنی ها صورت گرفته و پس از آن با پدید آمدن تعدادی از کشته ها، تمام فنون خود را بکار می گیرند تا خود را خونخواه این



کشته ها جا زده و برای موج آفرینی های بعدی به محوریت این خون ها برای خود مرجعیت ایجاد کنند. در دوره های گذشته این رسانه ها با عددسازی و خیال پردازی های مداوم ابتدأ تصویری سفاک گونه از جمهوری اسلامی خلق می کنند و سپس با تخدیر برآمده از این ذهنیت سازی، برای بحران سازی حول مراسمات هفتم و چهلم این افراد و سواستفاده از احساسات و رنج های خانواده های آنان اقدامات ۲۴ ساعته ای را دنبال می کنند.

در وضعیت فعلی نیز پرداختن به موضوع کشته شدگان اصلی ترین مضمونی است که رسانه های فارسی زبان کاملاً مشغول روایت پردازی پیرامون آن هستند و با ارائه گزارش ها یا تصاویری تلاش می کنند عددی در حدود ۱۲ هزار کشته را در ذهن مردم ایران تثبیت نموده و سپس با موج سواری بر روی این خون ها، زمینه را برای همراهی توده های مختلف مردم با موج های بعدی آشوب با محوریت خون خواهی کشته شدگان هموار بنمایند. لذا روشن است که در هفته پیش رو نزاع اصلی شناختی و جنگ روایت ها حول مساله کشته شدگان و مسئولیت خون های آنان برپا خواهد بود.

# ۵۵

این رسانه ها  
ابتدأ تصویری  
سفاک گونه از  
جمهوری اسلامی  
خلق می کنند  
و سپس برای  
بحران سازی حول  
مراسمات هفتم  
و چهلم این افراد  
و سواستفاده  
از احساسات  
خانواده های  
آنان اقدامات ۲۴  
ساعته ای را دنبال  
می کنند.

## هنوز برنامه دشمن برای کشته سازی و ناامنی در کشور پایان نیافته است.

با وجود تلاش های مستمر نیروهای حافظ امنیت در راستای تامین و ثبات



امنیت کشور، تهدیدات و دسیسه های دشمنان انقلاب اسلامی همچنان ادامه دارد. ناآرامی ها و آشوب های اخیر، یک فصل از این توطئه هاست که با هدف ایجاد ناامنی، تضعیف روحیه مردم و ضربه زدن به ثبات کشور طراحی و اجرا شده اند. این حملات همزمان با تحرکات سایبری و پروپاگاندهای گسترده رسانه های دشمن، نشان دهنده یک برنامه جامع و سازمان یافته است.

دشمن با بهره گیری از ظرفیت های مختلف، از جمله گروه های ضدانقلاب داخلی و تجزیه طلب، سعی در گسترش فضای رعب و ایجاد شکاف در جامعه دارد. این اقدامات نه تنها به دنبال تضعیف امنیت فیزیکی کشور است، بلکه هدف اصلی آن، آسیب زدن به اعتماد عمومی و ایجاد هرج و مرج در ساختار اجتماعی و سیاسی است. باید توجه داشت که این یک اتفاق ناگهانی و غیرمنتظره نیست، بلکه ادامه یک جنگ تمام عیار و دارای فصول متعدد است که با استفاده از ابزارهای مختلف در حال پیشبرد است.

بنابراین، حفظ هوشیاری و رصد مستمر فعالیت های دشمن، یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای تمامی اقشار جامعه است. مردم باید با آگاهی کامل از این توطئه ها، از دام های فریب و پروپاگاندهای دشمن مصون بمانند و با قدرتمند کردن اراده ملی و انسجام داخلی کشور، با این هجمه های دشمن مقابله کنند. این یک مبارزه طولانی و سخت است، اما با ایمان، اتحاد و اعتماد به نفس، قطعاً پیروز خواهیم شد.



دشمن با بهره گیری

از ظرفیت های

مختلف، از جمله

گروه های ضدانقلاب

داخلی و تجزیه

طلب، سعی در

گسترش فضای

رعب و ایجاد شکاف

در جامعه دارد.